

اربعین

مهدی آقابابایی



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



ارسلان علی محمد صالح

www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اربعین

نویسنده:

مهدی آقابابائی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	اربعین
۶	مشخصات کتاب
۶	اربعین
۱۰	آمدن جابر به کربلا در روز اربعین
۱۲	بیان شخصیت جابر
۱۴	عَطِیَّة کیست (عَطِیَّة عوفی الگوی مقاومت)
۱۴	ولادت
۱۴	خاندان عَطِیَّة
۱۴	مقام علمی عَطِیَّة
۱۴	اساتید و شاگردان عَطِیَّة
۱۵	آثار علمی
۱۵	ابعاد شخصیت سیاسی عَطِیَّة
۱۶	مقاومت عَطِیَّة
۱۷	زیارت اربعین
۱۹	منابع و مآخذ
۲۱	پی‌نوشت
۲۳	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

اربعین

مشخصات کتاب

سرشناسه: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱

عنوان و نام پدیدآور: اربعین / مهدی آقابابایی.

مشخصات نشر: دیجیتالی: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع: امام حسین (ع)

اربعین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکی از معتقدات مردم که همواره سنت بر آن جاری بود تذکار و تشکیل مجلس یادبود برای درگذشتگان پس از گذشت چهل روز می‌باشد، روز اربعین خویشاوندان و دوستان میت پیرامون همدیگر اجتماع می‌کنند و برای بزرگداشت متوفی و طلب مغفرت خیرات و مبرات کرده و اشعار و مراثی می‌خوانند و خصوصیات اخلاقی و مزایای اجتماعی او را بیان می‌کنند و چون آدمی فراموشکار است و همواره به امور مرگ و آخرت توجهی ندارد از این جهت تشکیل مجلس چهلیم برای زندگان نیز مفید است و آنان را به یاد مرگ می‌اندازد.

انعقاد مجلس اربعین و گفتگوهایی که در آن رد و بدل می‌شود و خطبه‌ها و اشعاری که در آنجا خوانده می‌شود در دلها اثر می‌گذارد و مردم از این گفتگوها و بیان فضائل اخلاقی استفاده می‌کنند و آن خطبه‌ها و اشعار و مراثی در کتابها ثبت شده و مرور تاریخ آنها را از بین نمی‌برد آیندگان نیز از آن استفاده می‌کنند.

این سنت حسنه که همواره جاری بوده و در مورد شخص متوفی تفاوت دارد، البته معلوم است که متوفی اگر دارای شخصیت ممتاز باشد و فضائل و برکات داشته باشد مجلس آن هم به همان اندازه اهمیت پیدا می‌کند، در این گونه مجالس به تناسب مقام از فضائل و مکارم سخن گفته می‌شود و از اصلاحات جامعه و دفع مضار و مفساد و جلب منافع گفتگو می‌گردد و مردم را به طرف تهذیب نفس و کسب خیرات دعوت می‌کنند.

ابوذر غفاری از حضرت رسول اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت می‌کند که آن جناب فرمود:

زمین بر مؤمن متوفی چهل روز گریه می‌کند (۱)

و زراره از حضرت صادق صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ نقل کرده که آن حضرت فرمود:

آسمان برای حضرت امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ چهل روز گریه کرده و علامت این گریه آن بود که در این مدت هنگام صبح آسمان خون آلود می‌شد و زمین نیز چهل روز گریه کرد و آفتاب هم چهل روز که علامت آن طوفانهای سیاه و کسوف و قرمزی در زمین و آسمان بود و نیز فرمود:

ملائکه نیز چهل روز بر آن حضرت گریستند و زنان بنی هاشم خضاب نکردند و روغن به سر نکشیدند و چشم‌ها را سرمه نزدند تا آنگاه که سر عبیدالله بن زیاد را برای ما آوردند و ما همواره با چشم گریان هستیم و مصیبت حضرت امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ را فراموش نمی‌کنیم. (۲)

این سنت همچنان در خانواده‌ها برقرار است و تا مدت چهل روز یادبود متوفی در منازل هست و روز چهلیم در سر قبر او اجتماع

می‌کنند و خویشاوندان و دوستان در آنجا گرد می‌آیند، این مطلب تنها به مسلمانان اختصاص ندارد بلکه مسیحیان هم چنین عمل را انجام می‌دهند و آنها هم روز چهلم میت در کلیسا جمع می‌شوند و نماز مخصوصی را می‌خوانند و بار دیگر در نیمه سال و هم چنین در آخر سال این عمل را تکرار می‌کنند و یهودیان نیز پس از گذشت سی روز از فوت شخص و هم چنین بعد از گذشت نه ماه و بار دیگر و در پایان سال اول مراسم مخصوصی را برگزار می‌کنند (۳)

این همه تشریفات و مجالس برای اینست که نام متوفی زنده بماند و مردم از آثار و رفتار وی درس بگیرند و متوجه آخرت گردند. کسانی که در کتب و سیر تحقیق و مطالعه دارند و حالات مصلحان جامعه را مورد بررسی قرار می‌دهند، مردی را که از هر جهت شایسته تکریم و تجلیل باشد و زندگی او درس و آموزنده باشد و مردم را به سعادت و فضیلت سوق دهد و از آزادی و حُریت دفاع نماید و جان خود را در راه هدف مقدسش بدهد و جامعه را به متابعت از مقررات مذهب و اخلاق فاضله دعوت کند کسی جز حسین بن علی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ نخواهد بود.

آری حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ که در راه هدفهای عالی به شهادت رسید و برای بسط عدالت و تهذیب اخلاق مسلمانان جان خود را از دست داد، بسیار شایسته است که برای او مجالس و محافل تشکیل شود و فضائل و مناقب او گفته آید، تا مردم از مکتب آن جناب درس فداکاری بیاموزند، از این رو مردم برای آن حضرت روز اربعین مجلس تشکیل می‌دهند و در کنار قبر مقدس او جمع می‌شوند.

در میان مردم معمول است که اربعین برای متوفی در سال اول تشکیل می‌شود و در سالهای بعد دیگر تکرار نمی‌گردد، این عمل به خاطر اینست که در افراد معمولی و عادی چندان مزیت و رجحانی نیست که بتوان هر سال این کار را تکرار کرد و مجلس یادبود تشکیل داد.

اما در مورد سیدالشهداء صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ این مورد مستثنی است، زیرا قیام و شهادت آن حضرت اختصاص به یک سال و چند سال ندارد و باید تشکیل و انعقاد مجلس دربارهی آن جناب همه ساله تکرار شود تا مردم از آن واقعه و حادثه درس بگیرند و از نتایج آن قیام مقدس استفاده بکنند و از ظلم و ستم و فساد بنی امیه مطلع گردند.

از این رو عادت شیعیان بر این جاریست که همه ساله در اربعین مجالس مصیبت و عزا برای امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ تشکیل می‌دهند و در آن فضائل و مناقب و علل قیام و فداکاری آن حضرت سخن می‌گویند و شعراء مرثیه می‌گویند و خطباء خطبه می‌خوانند و اوضاع و احوال کربلا را تشریح می‌کنند.

از حضرت امام حسن عسکری صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ روایت شده که فرمود:

علامت مؤمن در پنج چیز است:

۱ - ۵۱ رکعت نماز گذاشتن که مراد هفده رکعت فریضه و سی و چهار رکعت نافله در هر شبانه روز،

۲ - زیارت اربعین کردن

۳ - بِسْمِ اللَّهِ الرحمن الرحیم را بلند گفتن

۴ - انگشتر در دست راست کردن

۵ - و پیشانی بر خاک گذاشتن. (۴)

این حدیث ما را به روشی که شیعیان در مورد بر پا داشتن مراسم یادبود حضرت سیدالشهداء صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ دارند راهنمایی می‌کند.

تشکیل مجالس و انعقاد محافل در روز اربعین از ناحیه افرادیست که به پیروی و دوستی امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ معترف هستند و امامت آن حضرت را تصدیق دارند، از این رو در روز اربعین با خواندن اشعار و مراثی اعتقاد خود را به امامت سیدالشهداء

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ اظهار می‌دارند و از مصائب و ناملایماتی که برای آن جناب و افراد خاندانش پیش آمد گفتگو می‌نماید و با آن جناب تجدید عهد می‌کنند.

اشخاصی که می‌خواهند در این حدیث شریف تصرف کنند و «زیارت اربعین» را حمل بر زیارت چهل نفر مؤمن بکنند، به اشتباه می‌روند و سیاق کلام را درک نمی‌کنند، زیرا اگر مقصود چنین بود می‌بایست جمله را بدون الف و لام اداء کند، پس زیارت الاربعین که با الف و لام عهد بیان شده است، این نکته را می‌فهماند که آن از علایم ایمان و دوستی با ائمه اظهار صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ می‌باشد.

علامت نخستین که خواندن ۵۱ رکعت نماز باشد در شب معراج تشریع شد و سپس به ۱۷ رکعت در پنج وقت منحصر گردید و بقیه به صورت نوافل بیان شد که در مواقع مخصوصه خوانده می‌شود، در مذهب تشیع این نوافل را باید به ترتیب ذیل خواند: هشت رکعت قبل از ظهر و هشت رکعت قبل از نماز عصر و چهار رکعت بعد از نماز مغرب و دو رکعت بعد از نماز عشاء که به صورت نشسته خوانده می‌شود و یک رکعت محسوب می‌گردد و دو رکعت قبل از نماز صبح و یازده رکعت نماز شب. این نمازهای واجب و مستحبی به طریق مذهب تشیع است و اما اهل سنت در فرائض با شیعیان اتفاق دارند و لیکن در مستحبات و نوافل اختلاف پیدا کرده‌اند، ابن همام حنفی در فتح القدیر ج ۱ ص ۳۱۴ گفته: دو رکعت قبل از فجر، چهار رکعت پیش از ظهر و دو رکعت بعد از آن و چهار رکعت قبل از عصر و اگر بخواهد دو رکعت هم کفایت می‌کند و دو رکعت بعد از مغرب و چهار رکعت قبل از عشاء و چهار رکعت بعد از آن و دو رکعت هم می‌تواند بخواند. مجموع اینها ۲۳ رکعت می‌شود، در نوافل شب اختلاف کرده‌اند بعضی گفته‌اند:

هشت رکعت، یا دو رکعت، یا سیزده رکعت و یا بیشتر مجموع نمازهای واجب و مستحب با این طریق ۵۱ رکعت نیست، بنا بر این نمازهای ۵۱ رکعت در شبانه روز از مختصات امامیه است.

دوم از علامت‌های مؤمن بلند گفتن بِسْمِ اللَّهِ در نماز است، که این از مختصات مذهب تشیع است و در نمازهای جهریه تسمیه را واجب می‌دانند و در نمازهای اخفاتی مانند ظهر و عصر مستحب است، دلیل آنها در این مورد اخبار و روایاتیست که از ائمه اظهار صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِم رسیده است.

فخرالدین رازی گوید:

شیعیان عقیده دارند که جهر به تسمیه در نمازها واجب است و لیکن فقهاء با این عمل مخالفت کرده‌اند و به تواتر ثابت شده است که حضرت علی بن ابیطالب صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ بِسْمِ اللَّهِ را در نماز با صدای بلند می‌خوانده و هر کس در اعمال خود به علی اقتداء کند هدایت می‌گردد، دلیل بر گفتار حدیثیست که از حضرت رسول صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رسیده که فرمود: خداوند حق را با علی قرار بده، هر جا که رفت حق هم به دنبال او برود. (۵)

آلوسی از این کلام فخرالدین رازی ناراحت شده و بر وی اعتراض کرده که همه اخبار متواتره از علی درست نیست و اعتقاد به این موضوع کفر است و ما به بعضی از این اخبار ایمان داریم و بعضی را هم قبول نداریم و البته گفتار او در این که هر کس از علی پیروی کند هدایت می‌گردد درست است و این در صورتیست که صدور این روایت از علی مسلم باشد و اگر ثابت نشد قابل قبول نیست. (۶) البته شیعیان به این سخنان آلوسی توجهی نخواهند کرد، شیعیان امیرالمؤمنین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ در طریق محبت و ولایت استوار هستند و با فرمایشی که حضرت رسول صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ درباره‌ی آن جناب فرموده:

ای علی خداوند را جز تو و من کس دیگر نشناخته و مرا و تو را هم جز خداوند دیگری نشناخته است و تو را هم جز خداوند و من دیگری نشناخته. (۷)

اهوی علیاً و ایمانی محبته

کم مشرک ذمه من سیفه و کفی
ان کنت و یحکک لم تسمع مناقبه
فاسمعه هل اتی یا ذالغبی و کفی (۸)

سوم از علامت مؤمن که در حدیث ذکر شده انگشتر در دست راست کردن است، این سنت از مختصات امامیه است و دلیل آنها روایاتیست که از ائمه اطهار صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ رسیده و لیکن گروهی از اهل سنت با این عمل مخالفت کرده‌اند. ابن حجاج مالکی گوید:

در سنت وارد شده که هر چیز کثیف را با دست چپ باید گرفت و هر چیز پاک را با دست راست، برای همین جهت مستحب است که انگشتر را در دست چپ قرار داد و انگشتر را با دست راست در دست چپ باید قرار داد. (۹) ابن حجر گوید:

مالک انگشتر در دست راست را مکروه می‌دانست و می‌گفت:
باید در دست چپ باشد.

(۱۰) و شیخ اسماعیل بروسوی در عقدالدرر گفته: اصل در این بود که انگشتر در دست راست باشد و لیکن چون شعار اهل بدعت و ستمگران در این بود از این رو سنت بر این جاری شد که انگشتر در دست چپ قرار گیرد (۱۱) (۱۲) چهارم از علائم ایمان جبین بر خاک نهادن است.

اگر مقصود از جبین صورت باشد همانطور که صاحب حدائق شیخ یوسف بحرانی گفته است و او مدعیست که در لسان اهل بیت صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ جبین در صورت استعمال شده است همانطور که در حدیث تیمم وارد شده. بنا بر این مقصود از حدیث اینست که در مسجد باید صورت انسان بر زمین قرار گیرد و اهل سنت این را لازم نمی‌دانند، ابوحنیه و مالک و احمد در یکی از اقوال خود گفته‌اند:

که سجده بر طرف عمامه (۱۳) و یا جامه و هر لباس (۱۴) جایز است و نیز حنفیه عقیده دارند که سجده بر کف دست هم جایز است و لکن کراهت دارد. (۱۵) و هم چنین تجویز کرده‌اند که سجده بر گندم و جو و بر تختی که روی آن نشسته و بر پشت یک نماز گزار که در مقابل او نماز می‌خواند. (۱۶)

و اگر چنانچه مقصود از جبین خود پیشانی می‌باشد در این جا معنی ارشادی دارد و مقصود اینست که در سجده‌ی شکر پیشانی بر خاک نهادن مستحب است و گویا این عمل برای اظهار تواضع و فروتنی در برابر خداوند است و صاحب مدارک از این حدیث چنین استنباط کرده است که هر دو طرف صورت را در هنگام سجده بر خاک بگذارد و سید بحرالعلوم در منظومه‌ی خود گفته:

والخذ اولی و به النص جلی
و فی الجبین قد آتی محتملا
یعنی:

در سجده‌ی شکر گونه را بر خاک گذاشتن او لیست و در این مورد نص صریح وارد شده است و در مورد شقیقه هم احتمال استحباب وجود دارد.

در روایات وارد شده است که بر خاک گذاشتن هر دو طرف صورت در سجده‌ی شکر مستحب است.

(۱۷) و موسی بن عمران صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ در مناجات خود بدین وسیله مقرب درگاه خداوند گردید. (۱۸) امامیه در تعفیر جبین (گذاشتن گونه‌ها بر سجده‌گاه) به هر دو معنی که گفته شد پیشانی یا صورت عمل می‌کنند و در این مورد خلافتی ندارند و لیکن اهل سنت خود را ملتزم به تعفیر نمی‌دانند چه در نماز و چه در سجده شکر، نخعی و مالک و ابوحنیه سجده شکر را مکروه دانسته

و لیکن بعضی از حنابله (۱۹) و شافعیان در هنگام رفع گرفتاری و یا رسیدن به یک موفقیت جایز می‌دانند. (۲۰)

از مطالبی که نقل کردیم روشن شد که این امور چهارگانه از علائم ایمان است و زیارت اربعین یکی از آن موارد می‌باشد.

مقصود از زیارت اربعین اینست که دوستان اهل بیت صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ در کنار قبر حضرت سیدالشهداء صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ اجتماع کنند و با تشکیل مجالس عزّا با آن حضرت تجدید عهد نماید و از ستمی که بر آن جناب و اهل بیتش وارد شد گفتگو نمایند و از این جهت حضور در کربلا روز اربعین از علائم ایمان شمرده شده است.

شگفتی از اینجاست که گروهی در این حدیث تصرف کرده و گفته‌اند:

که مقصود از زیارت اربعین، زیارت ۴۰ نفر مؤمن است در صورتی که در این حدیث از مؤمن ذکر نشده و قرینهای هم که مؤید این نظریه باشد در دست نیست.

زیارت چهل نفر مؤمن در اسلام تاکید شده و شیعیان و اهل سنت آن را از علائم ایمان می‌دانند و این اختصاص به اهل ایمان ندارد تا از همدیگر تمیز داده شوند. آری تنها زیارت اربعین سیدالشهداء صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ است که مؤمن خالص را از دیگران تمیز می‌دهد و دوستان اهل بیت را از غیر آنان جدا می‌کند، این افراد با اشتیاق زیارت امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ در حائر مقدس جمع می‌شوند و خود را جزء پیروان دوستان آن حضرت قرار می‌دهند و با این عمل خود اقدام شهادی کربلا را تأیید می‌کنند.

دلیل بر این که مقصود از زیارت اربعین زیارت حضرت سیدالشهداء صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ در روز بیستم ماه صفر است توجه علماء اعلام به زیارت اربعین امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ می‌باشد.

شیخ طوسی در تهذیب ج ۲ ص ۱۱۷ باب فصل زیارت امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ پس از فضیلت زیارات مطلقه‌ی زیارات مختصه را ذکر کرده که یکی از آن زیارات مخصوصه زیارت روز اربعین است و در مِصْبَاحِ الْمُتَهَجِّد نیز همین را ذکر نموده است و سپس گفته: در روز بیستم ماه صفر خاندان امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ از شام به طرف مدینه حرکت کردند و جابر بن عبدالله انصاری در این روز وارد کربلا شد و سیدالشهداء صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ را زیارت کرد و او اولین فردی بود که در روز اربعین سیدالشهداء صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ را زیارت کرد.

و از حضرت امام حسن عسکری صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ نیز وارد شده که علامت مؤمن پنج چیز است تا آخر حدیث که ذکر شد.

علامه حلی در منتهی الارب کتاب زیارات گفته: مستحب است زیارت امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ در روز بیستم صفر و شیخ طوسی را از امام حسن عسکری صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ روایت کرده که علامت مؤمن پنج چیز است تا آخر حدیث و سید رضی الدین ابن طاووس نیز گوید:

زیارت امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ در روز بیستم صفر مستحب است و جد ما شیخ ابوجعفر از امام عسکری صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ روایت کرده که علامت مؤمن پنج چیز است تا آخر حدیث.

علامه مجلسی در کتاب مزار بحار الانوار و شیخ یوسف بحرانی در حدائق و شیخ عباس قمی در مفاتیح زیارت اربعین را ذکر کرده‌اند و حدیث حضرت عسکری صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ را به زیارت اربعین امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ ارتباط داده‌اند و همچنین شیخ مفید در مسار الشیعه و علامه حلی در تذکره و تحریر و ملامحسن فیض در تقویم المحسنین استجواب زیارت روز اربعین را ذکر کرده‌اند و تفسیر شیخ بهایی در توضیح المقاصد که زیارت اربعین را بر روز نوزدهم ماه صفر مقرر کرده خلاف متعارف است، شیخ بهاء الدین اربعین را از روز دهم محرم حساب می‌کند (۲۱)

آمدن جابر به کربلا در روز اربعین

شیخ جلیل القدر عمادالدین ابی جعفر محمد بن ابی القاسم طبری مسنداً از عَطِیَّة بن سعد روایت کرده است که گفت:

با جابر بن عبدالله انصاری به جهت زیارت قبر امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ بیرون رفتیم. چون به کربلا وارد شدیم، جابر نزدیک فرات رفت و غسل کرد، جامه‌ای را لنگ خود نمود و جامه‌ی دیگر را بر دوش افکند، پس بسته‌ای که در آن سعد (گیاه خوشبوئی) بود گشود و از آن بر بدن خود پاشید و به جانب قبر روان شد.

گامی بر نمی‌داشت مگر با ذکر خدا تا نزدیک قبر رسید. به من گفت:

دست مرا بر قبر بگذار. من دست او را بر قبر گذاشتم.

چون دستش به قبر رسید بی‌هوش بر روی قبر افتاد. آب به رویش پاشیدم تا به هوش آمد و سه بار گفت:

یا حسین (آنگاه امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ را مخاطب قرار داده، عرض کرد):

«حَبِيبُ لَا يَجِيبُ حَبِيبَهُ!»

«آیا دوست جواب دوست خود را نمی‌دهد!».

بعد با خود گفت:

کجا توانی جواب دهی و حال آنکه رگهای گردن تو را بریده‌اند و ما بین سر و بدن تو جدایی افتاده است.

شهادت می‌دهم که تو فرزند خاتم انبیاء، فرزند سید المؤمنین هستی، فرزند کسی هستی که ملازم تقوی، سلیل هدایت بود، پنجمین اصحاب کساء، پسر سید نقباء، فرزند فاطمه زهراء سید و سرور زنان و چگونه چنین نباشی و حال آنکه دست سیدالمرسلین تو را پرورش داده، در آغوش متقین پرورش یافتی، از پستان ایمان شیر خوردی و با اسلام از شیر گرفته شدی و در حیات و ممات پاکیزه بودی.

همانا دل‌های مؤمنین در فراق غمین است، با این که در نیکویی حال تو شکی نیست پس سلام و خشنودی خدا بر تو باد و همانا شهادت می‌دهم که تو بر شیوه‌ی برادرت یحیی بن زکریا گذشتی ... بعد جابر به دیگر شهداء سلام داد و گفت:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْأَرْوَاحُ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَاءِ الْحُسَيْنِ وَأَنَاخَتْ بِرَحْلِهِ»....

سپس فرمود:

سوگند به آنکه محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را به حق مبعوث کرد، ما هم در مقام و مرتبت شما شریک هستیم. عَطِیَّتُهُ به جابر عرض کرد:

چگونه ما با ایشان شرکت کردیم و حال آنکه ما بیابانی نپیمودیم و کوهی بالا نرفتیم و شمشیری نزدیم، اما این گروه مابین سر و بدنشان جدایی افتاده و اولادشان یتیم و زن انسان بیوه گشته اند!

جابر گفت:

ای عَطِیَّتُهُ، از حبیب خود رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شنیدم که می‌فرمود:

«مَنْ أَحَبَّ قَوْمًا حَسِرَ مَعَهُمْ وَمَنْ أَحَبَّ عَمَلًا قَوْمًا أُشْرِكَ فِي عَمَلِهِمْ»

«هر کس گروهی را دوست داشته باشد با آنها محشور شود و هر کس عمل قومی را دوست داشته باشد در آن شریک شود».

سوگند به خداوند که محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را به حق به پیامبری مبعوث کرد که نیت من و اصحابم بر آن چیز است که حضرت حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ و یاران او بود.

پس جابر گفت:

مرا به کوفه ببر.

عَطِیَّتُهُ گوید:

چون اندکی راه رفتیم فرمود:

ای عَطِیَّه آیا تو را وصیت نکنم در حالی که گمان ندارم بعد از این سفر دیگر تو را ملاقات کنم؟ (عرض کردم:

بفرمایید فرمود:)

«أَحَبُّ مُحِبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مِمَّا أَحَبَّهُمْ وَ أَبْغَضُ مُبْغِضِ آلِ مُحَمَّدٍ مِمَّا أَبْغَضَهُمْ وَ إِنْ كَانَ صَوَامًا قَوَامًا وَ أَرْفُقَ بِمُحِبِّ آلِ مُحَمَّدٍ فَإِنَّهُ إِنْ تَرَلَّ لَهُمْ قَدَمٌ بِكَثْرَةِ ذُنُوبِهِمْ ثَبَّتَ لَهُمْ أُخْرَى بِمَحَبَّتِهِمْ فَإِنَّ مُحِبَّهُمْ يَعُودُ إِلَى الْجَنَّةِ وَ مُبْغِضُهُمْ يَعُودُ إِلَى النَّارِ»

«دوستان آل محمد را دوست بدار مادامی که ایشان را دوست می‌دارند و دشمنان آل محمد را دشمن بدار مادامی که دشمن ایشان هستند، اگر چه فراوان روزه بگیرند و نماز بگذارند و با دوست (محمد و آل محمد مدارا کن، چون اگر پایی از ایشان در اثر زیادی گناه بلغزد پای دگرش به خاطر دوستی ایشان استوار و ثابت بماند همانا دوست ایشان به بهشت و دشمن ایشان به دوزخ بازگردد.» (۲۲)

بیان شخصیت جابر

کشی نقل کرده است که او از نخستین کسانی بود که به سوی امیرمؤمنان صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ بازگشت (۲۳) او آخرین باقیمانده‌ی اصحاب رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بود.

او به طور کامل به اهل بیت پیوسته بود.

در مسجد می‌نشست و در حالی که عمامه‌ی سیاه به سر بسته بود صدا می‌زد:

«ای شکافنده‌ی دانش»، (۲۴)

او عصا زنان در کوچه‌های مدینه می‌گشت و می‌گفت:

«علی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ بهترین انسانهاست» (۲۵) و چون پیرمردی کهنسال بود، حجاج کاری به او نداشت». (۲۶)

محدث نوری گوید:

«و از نخستین کسانی است که پیش از همه به حضرت امیرمؤمنان علی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ پیوستند. او حامل سلام رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ به شکافنده علوم اولین و آخرین است.

او نخستین کسی بود که در روز اربعین به زیارت ابا عبدالله صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ رفت. سند اخبار لوح آسمانی، که اخباری از خدای پروردگار جهانیان بر خلافت امامان هدایت در آن درج است، به او ختم می‌شود. از میان همه‌ی صحابه تنها او موفق شد آن لوح را

که نزد حضرت فاطمه صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا بود، ببیند. علاوه بر این نیز او مناقب و فضایل بی‌شماری دارد» (۲۷)

محدث قمی از او چنین یاد می‌کند:

«او صحابی جلیل القدریست که ارتباط او با اهل بیت صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَ منزلت والای او مشهورتر از آن است که ذکر گردد. در سال ۷۸ ه. ق در گذشت و روایاتی که نشانگر فضایل او هست بسیار فراوان می‌باشد».

آنگاه پس از ذکر برخی از آنها می‌گوید:

«از اسدالغابه» نقل شده است که او درباره‌ی جابر گفت:

وی در هجده جنگ با پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ شرکت جست و در جنگ صفین با علی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ همراه بود.

او در پایان عمر کور شد ... او آخرین تن از کسانی است که در عقبه شرکت داشت و در مدینه از دنیا رفت. تا آن جا که می‌گوید:

او حدیث فراوان به یاد داشت و حافظ سنت‌های [رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ] بود.

شیخ (ره) گفت:

او در بدر و هجده غزوه با رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم شرکت داشت و این مطابق قول جابر است که گفت:
در نوزده جنگ شرکت داشتم
و الله العالم». (۲۸)

حضرت آیت الله العظمی خویی نوشته است که: او در بدر و هجده غزوه همراه پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم شرکت داشت. از اصحاب رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم، اصحاب برگزیده‌ی علی صَلَّوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم و اعضای شُرَطَةُ الْخَمِیس آن حضرت و اصحاب حسن، حسین، سجاد و باقر صَلَّوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِمْ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم و مردی بلند مرتبه بود.
مرحوم کلینی از امام باقر صَلَّوَاتُ اللّٰهُ عَلَیْهِ نقل کرده است که فرمود:
«و جابر دروغ نگفت (۲۹)». (۳۰)

در جنگ جمل، نهروان و صفین از یاران امیرمؤمنان صَلَّوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ بود و در یکی از جنگ‌ها چشمش آسیب دید و از کار افتاد.
جابر بن عبدالله انصاری ۹۴ سال عمر کرد. جابر در جنگ بدر شرکت داشت و در جنگ «أُحُد» پدرش (عبدالله) وی را سرپرست هفت خواهرش نمود و خود به جنگ رفت و به شهادت رسید ولی در ادامه آن، یعنی در جنگ «حَمْرَاءُ الْأَسَد» جابر شرکت جست و در سال بعد هم در جنگ ذَات الرِّقَاع حضور یافت. در این جنگ بود که پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم از او پرسید:
آیا ازدواج کرده‌ای؟ جابر پاسخ داد:
آری، فرمود:

با چه کسی؟ جابر جواب داد:
با فلان زن. رسول الله صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم فرمود:
چرا با دختری ازدواج نکردی؟ گفت:

پدرم شهید شد و هفت خواهرم زیر نظر من زندگی می‌کنند، از این رو با کسی ازدواج کردم که سمت مادری داشته باشد.
پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم در حق او دعا کرد. او در جنگ خندق همراه علی بن ابیطالب صَلَّوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ مقابل عمرو بن عبدود حاضر شد.

در روز عاشورا امام حسین صَلَّوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ از لشکر عُمَرُ بن سعد خواست تا از جابر بن عبدالله انصاری حقانیت او را جویا شوند.
روزی امام سجاد صَلَّوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ همراه امام باقر صَلَّوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ به عیادت جابر رفتند. امام صَلَّوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ به فرزندش فرمود:
سر عموی خود را ببوس جابر که نابینا بود پرسید:

این جوان کیست؟
گفتند:

او محمد بن علی (امام باقر صلوات الله علیه) است.
جابر به یاد پیامبر خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم افتاد و سلام آن حضرت را به محمد بن علی صَلَّوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِم ابلّغ کرد.
جابر که با عطیه عوفی یکی از دانشمندان روزگارش، خود را در روز اربعین به کربلا- رسانیدند، در شط فرات غسل کرد، با دو پارچه مانند حاجیان مُحْرَم شد، با سر و پای برهنه، با دلی پر از غم و اندوه به زیارت قبر محبوب خود، حسین صَلَّوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ مشرف شدند. در آن هنگام، ورود کاروانی نظر آنان را به خود جلب کرد. جابر به غلامش گفت:
اینان کیستند؟ اگر از کارگزاران یزیدند، خودمان را پنهان کنیم و اگر زین العابدین صَلَّوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ و همراهان او هستند، تو را در راه خدا آزاد می‌کنم. غلام رفت و برگشت و گفت:
زین العابدین صَلَّوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ همراه با عمه‌ها و خواهران و همراهانند. آنان هنگامی که نزدیک شدند، جابر با سر و پای برهنه از

آنان استقبال کرد و همگی گریستند. صدای شیون بلند شد.

جابر خود را روی قدمهای امام سجاد صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ انداخت و می‌بوسید و تسلیت می‌گفت؛ امام صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ پرسید: «أَنْتَ جَابِرٌ؟» جابر پاسخ داد:

«أَنَا جَابِرٌ». امام صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ سپس فرمود:

«ای جابر، این جا پدرم به قتل رسید. این جا جوانان ما را سر بردند. این جا خیمه‌های ما را به آتش کشیدند، از این جا زنان ما را به اسیری بردند». (۳۱) (امام سجاد صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ در کربلا برای جابر و همراهانش، روضه خواند).

عَطِیَّة کیست (عَطِیَّة عوفی الکوی مقاومت)

ولادت

با طلوع خورشید حکومت علوی در کوفه غنچه ای شکوفا شد تا تماشاگر آفتاب امامت باشد.

گرچه تاریخ دقیق این واقعه مشخص نیست؛ ولی می‌توان گفت:

در سالهای ۳۶ - ۴۰ قمری، روزی سعد بن جُنَادَه به آستان حضرت علی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ شرفیاب شد، ولادت فرزندش را به عرض حضرت رساند و تقاضای نامگذاری کرد.

حضرت نوزاد را در آغوش گرفت و فرمود:

«هَذَا عَطِیَّةُ اللَّهِ» این نوزاد عطا و موهبت الهی است.

(۳۲) حضرت علی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ بعد از مراسم نامگذاری، برای عَطِیَّة صد درهم حقوق ماهانه تعیین فرمود و پدرش با دریافت حقوق برای کودک غذا تهیه کرد. (۳۳)

خاندان عَطِیَّة

عَطِیَّة عوفی در یکی از خاندان‌های معروف عرب که از طایفه بَکَالِی بود چشم به گیتی گشود. بَکَالِی تیره‌ای از قبیله بنی عوف بن إِمْرُؤ الْقَیْس شمرده می‌شد و در بین قبایل عرب شأن و منزلتی خاص داشت. چون عَطِیَّة از قبیله بنی عوف بود به او عَطِیَّة عوفی می‌گویند. (۳۴)

گویا مادرش در شمار اسرای آزاد شده رومی جای داشت و همسر سعد شمرده می‌شد (۳۵)

مقام علمی عَطِیَّة

عَطِیَّة، از نظر طبقات رجالی، در گروه تابعین جای دارد یعنی از طبقه‌ایست که پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ و آلِهِ و سَلَّمَ را ندیده و بدون واسطه سخنی از وی نقل نکرده است.

او از اصحاب حضرت علی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ و امامان بعد از او تا امام محمد باقر صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ به شمار می‌آید. (۳۶) عَطِیَّة از دانشمندان بزرگ و اسلام شناس عصر خویش شمرده می‌شد و از چنان مقام علمی برخوردار بود که حتی دانشمندان اهل سنت نیز او را مورد اعتماد می‌دانستند و دانش تفسیری و حدیثی‌اش را تأیید می‌کردند (۳۷)

اساتید و شاگردان عَطِیَّة

عَظِيَّةُ استادانی برجسته داشت که در اسلام و تشیع از جایگاهی والا- برخوردار بودند. کتاب «تهذیب التهذیب» نام هشت تن از استادان وی را بر می‌شمارد. کتاب «طبقات» شش تن از استادانش را معرفی کرده و از دیگران نام نبرده عبدالله بن عباس و جابر بن عبدالله انصاری از معروفترین استادان او شمرده می‌شوند. (۳۸) این شخصیت علمی شاگردان بسیاری تربیت کرد. کتاب «تهذیب التهذیب» نام شانزده تن از آنها را ثبت کرده است.

اعمش و پسران عَظِيَّةُ (حسن و عمر و علی) در این گروه جای دارند. (۳۹) علی بن عَظِيَّةُ از اصحاب امام صادق صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ نیز به شمار می‌آید. (۴۰)

آثار علمی

۱ - تفسیر قرآن عَظِيَّةُ دست پرورده استادی بزرگ چون ابن عباس بود و پنج جلد تفسیر قرآن نگاشت. (۴۱) دانشمندان اهل تسنن از این تفسیر بهره‌های فراوان برده‌اند.

آثار عَظِيَّةُ نزد علمای اهل سنت معتبر است (۴۲)

و بزرگانی چون طبری، خطیب بغدادی از آثار این دانشور بزرگ بهره فراوان بردند. (۴۳) عشق عَظِيَّةُ به علوم قرآنی و انس وی با قرآن به اندازه‌های بود که خودش می‌گوید:

من سه دوره تفسیر کامل قرآن را نزد ابن عباس آموختم و قرآن را نیز هفتاد بار در کنارش خواندم. (۴۴)

۲ - دومین اثر جاودان عَظِيَّةُ خطبه فدک حضرت زهرا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا است.

حضرت این خطبه را در مسجد النبی ایراد فرمود. عَظِيَّةُ آن را برای عبدالله ابن حسن مثنی، پسر امام حسن مجتبی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ نقل کرد و در تاریخ به یادگار نهاد. (۴۵)

۳ - زیارت اربعین یادگار جاودان دیگر عَظِيَّةُ زیارت گرانقدر و با عظمت اربعین اباعبدالله الحسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ است.

او همراه جابر بن عبدالله انصاری، صحابی بزرگ پیامبر اکرم صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَامُ در اربعین شهادت امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ کنار تربت مطهر آن حضرت حضور یافت اشک ماتم ریخت و نامش را به عنوان نخستین زائر کوی حسین جاودانه ساخت. (۴۶) جایگاه زیارت اربعین چنان والاست که امام حسن عسکری صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فرمود:

یکی از علامتهای مؤمن زیارت اربعین سیدالشهدا است.

(۴۷)

ابعاد شخصیت سیاسی عَظِيَّةُ

زبان گویای ولایت علوی عَظِيَّةُ، که پرورش یافته مکتب تشیع راستین بود، آموخته‌هایش را با زبانی گویا برای جامعه اسلامی و تاریخ بیان کرد و به یادگار گذاشت. آن بزرگوار به شیوه‌ای زیبا به دفاع از حریم ولایت علوی پرداخت. بدین جهت نامش در سند بسیاری از روایاتی که منزلت و فضایل حضرت علی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ را بیان می‌کند، دیده می‌شود. (۴۸)

عَظِيَّةُ از کسانی است که حدیث غدیر خم را به دورترین نقاط بلاد اسلامی رساند. پیامبر اکرم صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَامُ در حجه الوداع در غدیر خم دست حضرت علی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ را گرفت و به مردم فرمود:

ای مردم، آیا نمی‌دانید که من از خود مؤمنین به آنها سزاوارترم؟ گفتند:

آری، یا رسول الله. سپس فرمود:

«من كنت مولاه فهذا علي مولاه» (۴۹) عَظِيَّةُ در باره شأن نزول آیه شریف (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) (۵۰)

می گوید:

«نزلت هذه الآية على رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ في علي بن ابي طالب صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ (۵۱) این آیه در منزلت حضرت علی ابن ابیطالب صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ نازل شد.

بیان چنین احادیثی درباره‌ی شخصیت حضرت، در زمانی که آشکارا بدان بزرگوار ناسزا می گفتند، دارای ارزشی والا بود زیرا درباریان آگاه و مردم نا آگاه دشنام دادن بدان حضرت در هر قنوت و خطبه را از فرایض مسلمانان می دانستند. در چنین فضای آشوب زده ای، عَطِیَّه به افشاگری پرداخت و با نقل فضایل علی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ کوشید ولایت را در جامعه تثبیت کند.

۲- زیارت اربعین و اقدامی انقلابی زیارت اربعین عَطِیَّه و جابر بن عبد الله در آن زمان حساس از بعد سیاسی اهمیت بسیار دارد. (۵۲) زمانی که یزید بن معاویه ریختن خون سیدالشهداء و اصحابش را افتخار می دانست و شیعیان آن حضرت در خفقان شدید به سر می بردند، بازمانده یاران پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به زیارت تربت امام صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ شتافت. او در واقع فرستاده خاتم المرسلین به شمار می آمد؛ زیرا رسول خدا به وی وصیت کرده بود «یا جابر زر قبر الحسين فان زیارته تعدل مئه حجه» (۵۳) ای جابر، قبر فرزندم حسین را زیارت کن. چون ثواب زیارتش با ثواب صد حج برابر است.

جابر بعد از شهادت امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ و یارانش از این فاجعه تاریخی آگاه شده، با چشمان نابینا و دلی روشن و ضمیری پاک راه کوفه پیش گرفت و خود را به دست پرورده مکتب علوی یعنی عَطِیَّه عوفی رساند. این دو بزرگمرد در اربعین شهادت اباعبدالله الحسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ و اصحابش در سرزمین مقدس کربلا حضور یافتند و این افتخار را به دست آوردند که از اولین زائران حرم حسینی شوند. (۵۴) آنچه به زیارت اربعین جلوه‌های خاص از شهامت و شجاعت می دهد حرکت قهرمانانه این دو زائر در آن موقعیت حساس است؛ زیرا بعد از شهادت امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ یزید کسی را مانع ظلم و فساد خود نمی دید و تمام سعی خودش را به کار برد تا با خفه کردن صدای هر مخالفی قیام عاشورا را امری عادی و غیر الهی جلوه دهد. بدین سبب، نگرش جامعه به نهضت امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ در ابتدا نگرشی همراه با بی تفاوتی گاه اعتراض آمیز بود.

در آن موقعیت، حرکت جابر از مدینه و عَطِیَّه از کوفه برای زیارت سیدالشهدا تأییدی بر قیام آن حضرت بود. (۵۵) به ویژه این که این زیارت با رسیدن بانوان اهل بیت و اسراء از شام و بر پایی سه روز سوگواری برای سالار شهیدان و یارانش مقارن بود.

(۵۶) این حرکت انقلابی به شعله‌ور شدن نهضت حسینی و افشای جنایات درخیمان بنی امیه انجامید و عَطِیَّه و جابر از بنیانگذاران قیامهایی شدند که در دفاع از قیام کربلا به وسیله توانین و دیگران شکل گرفت.

مقاومت عَطِیَّه

عَطِیَّه چون پرستویی عاشق و بلبل نغمه سرا در هر کوی و برزن ترانه عشق علی می خواند و لحظه‌ای آرام نمی گرفت. هیچ تازیانه‌ای نتوانست ندای این فریادگر عرفان و عدالت را خاموش سازد. تاریخ هرگز مبارزه سیاسی این دانشمند بزرگ را از یاد نمی برد. مبارزه سیاسی عَطِیَّه عوفی در زمان حکومت جبار عبدالملک مروان، پنجمین خلیفه اموی، در مقابل حجاج بن یوسف ثقفی که دستانش به خون شیعیان علوی آغشته بود، همچنان جاودانه ماند. در زمان فرمانروایی این ستمگر اموی در کوفه قیامهای متعددی شکل گرفت که یکی از آنها قیام عبد الرحمن بن محمد بن اشعث در سال ۸۰ ه. ق بود. این نهضت از خراسان آغاز شد.

عبد الرحمن، بعد از چندین بار درگیری با لشکر حجاج، سر انجام در سال ۸۳ در بصره دستگیر شد. نکته جالب توجه در این قیام آن است که عده‌ای از بزرگان و دانشمندان شیعه و قاریان عراق مانند سعید بن جبیر و ابراهیم نخعی و

عَطِیَّة عوفی، در رکاب عبد الرحمن بودند. وقتی عبد الرحمن شکست خورد، عَطِیَّة به سمت فارس گریخت. حجاج در فرمانی، محمد بن قاسم ثقفی به فرماندار فارس نوشت عَطِیَّة را دستگیر کرده، او را وادار سازد به حضرت علی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ ناسزا بگوید و اگر امتناع ورزید چهارصد تازینانه بر وی زده، موی سر و محاسنش را بتراشند. فرماندار فارس عَطِیَّة را فرا خواند و فرمان حجاج را برایش خواند، عَطِیَّة زیر بار چنین ننگی نرفت؛ با کمال شهامت چون کوهی استوار ماند و سخت‌ترین شکنجه‌ها و تازینانه‌های امویان را تحمل کرد. این تابعی قهرمان مدتی در فارس اقامت گزید و چون قتیبه بن مسلم بر مسند استانداری خراسان جای گرفت به آنجا رفت و چندی در آن دیار به سر برد. سر انجام وقتی فرمانروایی عراق در دست عُمَرُ بْنُ هُبَیْرَةَ قرار گرفت، عَطِیَّة نامهای به وی نوشت و خواستار پناهندگی و بازگشت به کوفه شد.

عُمَرُ بْنُ هُبَیْرَةَ اجازه داد و عَطِیَّة به کوفه باز گشت. این یاور مخلص اهل بیت صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِم در سال ۱۱۱ هجری قمری به سرای جاودانگی شتافت. (۵۷)

زیارت اربعین

کیفیت زیارت حضرت امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ در این روز به دو نحو رسیده یکی زیارتیست که شیخ در تهذیب و مصباح روایت کرده از صفوان جَمَّال که گفت فرمود به من مولایم حضرت صادق صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ در زیارت اربعین که زیارت می‌کنی در هنگامی که روز بلند شده باشد و می‌گویی:

اَلسَّلَامُ عَلٰی وَلِیِّ اللّٰهِ وَ حَبِیْبِهِ، اَلسَّلَامُ عَلٰی خَلِیْلِ اللّٰهِ وَ نَجِیْبِهِ،

سلام بر ولی خدا و دوست او، سلام بر خلیل خدا و بنده نجیب او

اَلسَّلَامُ عَلٰی صَفِیِّ اللّٰهِ وَ ابْنِ صَفِیِّهِ، اَلسَّلَامُ عَلٰی الْحُسَیْنِ الْمَظْلُوْمِ الشَّهِیدِ،

سلام بر بنده‌ی برگزیده خدا و فرزند برگزیده‌اش سلام بر حسین مظلوم و شهید

اَلسَّلَامُ عَلٰی اَسِیرِ الْکُرْبَاتِ وَ قَتِیلِ الْعَبْرَاتِ،

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَشْهَدُ اَنَّهُ وَلِیُّکَ وَ اَبْنُ وَلِیِّکَ،

سلام بر آن بزرگوار که به گرفتاریها اسیر بود و کشته اشک روان گردید خدایا من به راستی گواهی دهم که آن حضرت ولی (و نماینده) تو و فرزند ولی تو بود

وَ صَفِیِّکَ وَ اَبْنُ صَفِیِّکَ، اَلْفَ اَئِزُّ بِکَرَامَتِکَ، اَکْرَمْتَهُ بِالشَّهَادَةِ وَ حَبَوْتَهُ بِالسَّعَادَةِ،

و برگزیده‌ات و فرزند برگزیده‌ات بود که کامیاب شد به بزرگداشت تو، گرامیش کردی به وسیله شهادت و مخصوصش داشتی به سعادت

وَ اَجْتَبِیْتَهُ بِطِیْبِ الْوِلَادَةِ وَ جَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِّنَ السَّادَةِ وَ قَ اَئِدًا مِّنَ الْقَادَةِ،

و برگزیدی او را به پاکزادی و قرارش دادی یکی از آقایان (بزرگ) و از رهروان پیشرو

وَ ذَ اَئِدًا مِّنَ الذَّادَةِ وَ اَعْطِیْتَهُ مَوَارِیْثَ الْاَنْبِیَآءِ وَ جَعَلْتَهُ حُجَّهً عَلٰی خَلْقِکَ مِّنَ الْاَوْصِیآءِ،

و یکی از کسانی که از حق دفاع کردند و میراثهای پیامبران را به او دادی و از اوصیایی که حجت تو بر خلقت هستند قرارش دادی فَاعْذَرَ فِی الدُّعَا وَ مَنَحَ النَّصْحَ وَ بَدَّلَ مَهْجَتَهُ فِیْکَ،

او نیز در دعوت مردم جای عذر و بهانه‌ای (برای کسی) نگذارد و بی‌دریغ خیرخواهی کرد و جان خود را در راه تو داد

لِیَسْتَنْقِذَ عِبَادَکَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَیْرَةِ الضَّلَالَةِ وَ قَدْ تَوَازَرَ عَلَیْهِ مَنُ غَرَّتْهُ الدُّنْیَا،

تا براهاند بندگان را از (گرداب) جهالت و نادانی و سرگردانی (در وادی) گمراهی و چنان شد که همدست شدند بر علیه آن

حضرت کسانی که دنیا فریشان داد
وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَزْدَلِ الْأَذْنَى وَشَرَى آخِرَتَهُ بِالْثَمَنِ الْأَوْكَسِ
و فروختند بهره (کامل و سعادت خود را) به بهای پست ناچیزی و بداد آخرتش را در مقابل بهایی اندک و بی مقدار
و تَغَطَّرَسَ وَ تَرَدَّى فِي هَوَاهُ وَ اسْخَطَكَ وَ اسْخَطَ نَبِيَّكَ،
و بزرگی کردند و خود را در چاه هوا و هوس سرنگون کردند و تو و پیامبرت را بخشم
وَ اطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَ النَّفَاقِ وَ حَمَلَهُ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ،
آوردند و پیروی کردند از میان بندگان آنان ی را که اهل دو دستگی و نفاق بودند و کسانی را که بارهای سنگین گناه به دوش
می کشیدند و بدین جهت مستوجب دوزخ گشته بودند
فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا، حَتَّى سَفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمُهُ وَ اسْتَبِيحَ حَرِيمُهُ،
آن حضرت (که چنان دید) با شکیبایی و پاداش جویی با آنها جهاد کرد تا خونس در راه پیروی تو ریخت و حریم مقدسش
شکسته شد
اللَّهُمَّ فَالْعَنُهُمْ لَعْنًا وَ بِلَا وَ عَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا،
خدایا آنان را لعنت کن به لعنتی وبال دار و عذابشان کن به عذابی دردناک
الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ
سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند آقای اوصیاء
أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَ ابْنُ أَمِينِهِ، عِشْتَ سَعِيدًا وَ مَضَيْتَ حَمِيدًا
گواهی دهم که به راستی تو امانتدار خدا و فرزند امانت دار اویی سعادتمند زیستی و ستوده از دنیا رفتی
وَ مِتَّ فَقِيدًا مَظْلُومًا شَهِيدًا وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ،
و گمگشته و ستمدیده و شهید درگذشتی و نیز گواهی دهم که خدا به راستی وفا کند بدان وعده‌ای که به تو داده
وَ مُهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ وَ مُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَفِيَتْ بِعَهْدِ اللَّهِ،
و به هلاکت رساند هر که را که دست از یاریت برداشت و عذاب کند کسی که تو را کشت و گواهم دهم که تو به خوبی وفا
کردی به عهد خدا
وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ،
و جهاد کردی در راه او تا مرگت فرا رسید خدا لعنت کند کسی که تو را کشت و خدا لعنت کند کسی که به تو ستم کرد
وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ،
و خدا لعنت کند مردمی که شنیدند جریان کشتن و ستم تو را و بدان راضی بودند
اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيُّ لِمَنِ الْوَالَةُ وَ عَدُوٌّ لِمَنِ عَادَا، بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ،
خدایا من تو را گواه می گیرم که من دوست دارم هر که او را دوست دارد و دشمنم با هر که او را دشمن دارد پدرم و مادرم به
فدایت ای فرزند رسول خدا
أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَ الْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ،
گواهی دهم که تو به راستی نوری بودی در پشت پدرانی بلند مرتبه و رحمهایی پاکیزه
لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَ لَمْ تُلَبِّسْكَ الْمُدَّ لِهَمَاتٍ مِنْ ثِيَابِهَا،
که آلوده‌ات نکرد اوضاع زمان جاهلیت به آلودگیهایش و در برت نکرد از لباسهای چرکینش

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ،
و گواهی دهم که به راستی تو از پایه‌های دین و ستونهای محکم مسلمانان و پناهگاه مردمان با ایمانی
وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ الْتَقِيُّ، الرَّضِيُّ الرَّكِيُّ الْهَادِي الْمُهْدِي،
و گواهی دهم که تو به راستی پیشوای نیکوکار با تقوا و پسندیده و پاکیزه و راهنمای راه یافته‌ای
وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَلَدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَأَعْلَامُ الْهُدَى،
و گواهی دهم که همانا امامان از فرزندان روح و حقیقت تقوی و نشانه‌های هدایت
وَالْعَزَوهُ الْوُثْقَى وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ،
و رشته‌های محکم (حق و فضیلت) و حجت‌هایی بر مردم دنیا هستند و گواهی دهم که من به شما ایمان دارم
وَبِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ، بِشَرَايِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلَمٌ،
و به بازگشتان یقین دارم با قوانین دینم و عواقب کردارم و دلم تسلیم دل شماست
وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ،
و کارم پیرو کار شماست و یاریم برایتان آماده است تا آنکه خدا در ظهورتان اجازه دهد
فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَرْوَاحِكُمْ
پس با شمایم نه با دشمنان شما دروذهای خدا بر شما و بر روانهای شما
وَأَجْسَادِكُمْ وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ
و پیکرهایتان و حاضران و غایبتان و آشکارتان و نهانتان آمین ای پروردگار جهانیان
پس دو رکعت نماز می‌کنی و دعا می‌کنی به آنچه می‌خواهی.
(مفاتیح الجنان)

منابع و مآخذ

مجموعه ورام
نَهْرُ الذَّهَبِ
نَهْرُ الذَّهَبِ
مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِلِ
تهذیب
مُصْبَحُ الْمُتَهَجِّدِ
شَذَرَاتُ الذَّهَبِ
المختصر
رُوحُ الْمَعَانِي
مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ
المدخل
الْفَتَاوَى الْفَقْهِيَّةُ
الغدير

الْبَحْرُ الرَّائِقُ

الفقه على المذاهب الاربعه

هدایه، مرغینانی

میزان شعرانی

مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه

کافی در حاشیه مرآت العقول

المغنی

الفروع، ابن المفلح

کتاب الام

مختصر المزنی

الوجیز غزالی

چهره‌ی خونین حسین سیدالشهداء صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ یا داستان کربلا

بِشَارَةِ الْمُصْطَفَى

بِحَارِ الْأَنْوَارِ

اختیار معرفه الرجال

معجم رجال الحديث

رجال الشيخ

الاصابه

تهذيب الاسماء

تنقيح المقال

طبقات الكبرى

رِيحَانَةُ الْأَدَبِ

تنقيح المقال

تهذيب التهذيب

تاريخ التراث العربی

رجال شيخ طوسی

جابر بن عبد الله انصاری

بَلَاغَاتِ النِّسَاءِ

بررسی تاریخ عاشورا

بِشَارَةِ الْمُصْطَفَى

کامل الزیارات

اعیان الشیعه

تاریخ یعقوبی

الاعلام زرکلی

پی‌نوشت

- (۱) - مجموعه ورام ص ۲۷۶
 - (۲) - مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِلِ ج ۲ ص ۱۵
 - (۳) - نَهْرُ الدَّهَبِ ج ۱ ص ۲۶۳ - ۲۶۷
 - (۴) - تَهْذِيبُ ج ۲ ص ۱۷، مِصْبَاحُ الْمُتَهَجِّدِ ص ۵۵۱
 - (۵) - مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ ج ۱ ص ۱۰۷
 - (۶) - رُوحُ الْمَعَانِي ج ۱ ص ۴۷
 - (۷) - المختصر ص ۱۶۵
 - (۸) - شَذَرَاتُ الدَّهَبِ ج ۴ ص ۱۴
 - (۹) - المدخل ج ۱ / ص ۴۶
 - (۱۰) - الْفَتَاوَى الْفَقْهِيَّةُ ج ۱ ص ۲۶۴
 - (۱۱) - الغدير ج ۱۰ ص ۲۱۱
 - (۱۲) - اینها که نقل شد از نخستین مخالفت‌های اهل سنت با شیعه نیست، ابواسحاق شیرازی در مذهب ج ۱ / ص ۱۳۷ و غزالی در الوجیز ج ۱ ص ۵۶۰ و عینی در عمده القاری ج ۴ ص ۲۴۸ و ابن مفلج در فروع ج ۱ ص ۲۸۱ و ابن قدامه در مغنی ج ۲ ص ۵۰۵ و سرخسی در مبسوط ج ۲ ص ۶۲ و شعرانی در رحمه الامة در حاشیه المیزان شعرانی ج ۱ ص ۸۸ در مورد سنت در تسطیح قبور گفته‌اند:
- چون تسطیح در قبور از اشعار رافضه شده بهتر اینست که با آنان در این مورد مخالفت شود.
- یکی از این موارد که بر خلاف سنت عمل شده، موضوع صلوات بر اهل بیت می‌باشد، زمخشری در کشاف سوره احزاب ذیل آیه شریفه «ان الله و ملائکته یصلون» می‌گوید:
- صلوات بر آل مکروه است زیرا گفتن این جمله گوینده را به رفض متهم می‌کند و پیغمبر فرمود:
- از مواقف تهمت دوری کنید و خود را در معرض اتهام قرار ندهید.
- ابن حجر در فتح الباری ج ۱۱ ص ۱۳۵ گفته: علماء در صلوات بر غیر انبیاء اختلاف کرده‌اند، پس از این که بر مشروعیت آن اجتماع دارند، بعضی گفته‌اند:
- به طور افراد جایز نیست و باید این عمل ترک شود زیرا این اشعار رافضه است.
- زرقانی در شرح مواهب ج ۵ ص ۱۳ گوید:
- بعضی از اهل علم سر عمامه خود را از جلو روی شانه چپ می‌انداخت و من دلیل در انداختن سر عمامه به روی شانه راست جز در یک حدیث ضعیف ندیده‌ام و چون افکندن عمامه بالای شانه چپ از شعار روافض است سزاوار است برای عدم تشبه به آنان ترک شود.
- (۱۳) - میزان شعرانی ج ۱ ص ۱۳۸
 - (۱۴) - هدایه، مرغینانی ج ۱ ص ۳۳
 - (۱۵) - الفقه علی المذاهب الاربعه ج ۱ ص ۱۸۹

- (۱۶) - أَلْبَحْرُ الرَّائِقِ ج ۱ ص ۳۱۹
- (۱۷) - کافی در حاشیه مرآت العقول ج ۳ ص ۱۲۹ و مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه ۶۹ و تهذیب ج ۱ ص ۱۶۶.
- (۱۸) - مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه ص ۶۹.
- (۱۹) - المغنی ج ۱ ص ۲۶۶ و الفروع، ابن المفلح ج ۱ ص ۳۸۲.
- (۲۰) - کتاب الام ج ۱ ص ۱۱۶، مختصر المزنی ج ۱ ص ۹۰، الوجیز غزالی ج ۱ ص ۳۲.
- (۲۱) - چهره‌ی خونین حسین سیدالشهداء صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ یا داستان کربلا صص ۴۴۰ - ۴۵۱
- (۲۲) - بِشَارَةُ الْمُصْطَفَى ص ۷۴، بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۹۵.
- (۲۳) - اختیار معرفه الرجال، ج ۱، ص ۳۸، ح ۷۸.
- (۲۴) - اختیار معرفه الرجال، ج ۱، ص ۸۸ (مقصود وی امام باقر صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ بود).
- (۲۵) - همان، ص ۴۴، ح ۹۳.
- (۲۶) - همان، ج ۲، ص ۱۲۴، ح ۱۹۵.
- (۲۷) - مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِلِ، ج ۳، ص ۵۸۰ - سَفِينَةُ الْبَحَارِ، ج ۱، ص ۱۴۱.
- (۲۸) - سَفِينَةُ الْبَحَارِ ج ۱ ص ۱۴۰ - ۱۴۱
- (۲۹) - معجم رجال الحديث ج ۴ ص ۳۳۰
- (۳۰) - رجال الشيخ ص ۷۳ - الاصابه ج ۱ ص ۲۱۳ - تهذیب الاسماء ج ۱ ص ۱۴۲ - الاعلام ج ۱ ص ۲۱۳ - تنقیح المقال ج ۱ ص ۱۹۹
- (۳۱) - بحار الأنوار، ج ۱، ص ۳۲۹، باب ۲۵.
- (۳۲) - سَفِينَةُ الْبَحَارِ، ج ۲، ص ۲۰۶، (چاپ قدیم) - طبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۰۴ - رِيحَانَةُ الْأَدَبِ، ج ۴، ص ۲۱۸.
- (۳۳) - طبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۰۴.
- (۳۴) - سَفِينَةُ الْبَحَارِ، ج ۶، ص ۲۹۶ - رِيحَانَةُ الْأَدَبِ، ج ۴، ص ۲۱۸.
- (۳۵) - طبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۰۴ - جابر بن عبد الله انصاری، ص ۲۰۸.
- (۳۶) - رجال شیخ طوسی، ص ۵۱ - تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۵۳ - سَفِينَةُ الْبَحَارِ، ج ۶، ص ۲۹۶.
- (۳۷) - تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۲۶ - تاریخ التراث العربی، ج ۱، جزء اول، ص ۷۳ - طبقات، ج ۶، ص ۳۰۴.
- (۳۸) - تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۲۵ - طبقات الكبرى، ج ۶، ص ۲۴۶ - سَفِينَةُ الْبَحَارِ، ج ۶، ص ۲۹۶.
- (۳۹) - رِيحَانَةُ الْأَدَبِ، ج ۴، ص ۲۱۸ - تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۲۵ - سَفِينَةُ الْبَحَارِ، ج ۶، ص ۲۹۵.
- (۴۰) - سَفِينَةُ الْبَحَارِ، ج ۶، ص ۲۹۴ - تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۹۹.
- (۴۱) - رِيحَانَةُ الْأَدَبِ، ج ۴، ص ۲۱۸ - سَفِينَةُ الْبَحَارِ، ج ۶، ص ۲۹۶ - تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۵۳.
- (۴۲) - تاریخ التراث العربی، ج ۱، جزء اول، ص ۷۳.
- (۴۳) - تاریخ التراث العربی، ج ۱، جزء اول، ص ۷۳.
- (۴۴) - سَفِينَةُ الْبَحَارِ، ج ۶، ص ۲۹۶ - رِيحَانَةُ الْأَدَبِ، ج ۴، ص ۲۱۸ - تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۵۳.
- (۴۵) - بَلَاغَاتُ النِّسَاءِ، ص
- ۱۲ - سَفِينَةُ الْبَحَارِ، ج ۶، ص ۲۹۶ - بررسی تاریخ عاشورا، ص ۲۴۶.
- (۴۶) - رِيحَانَةُ الْأَدَبِ، ج ۴، ص ۲۱۸ - سَفِينَةُ الْبَحَارِ، ج ۶، ص ۲۹۵ - بِشَارَةُ الْمُصْطَفَى، ص ۸۹.

(۴۷) - بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۰۶ - کامل الزیارات، باب ۲۸: ص ۹۰.

(۴۸) - سَفِينَةُ الْبَحَارِ، ج ۶، ص ۲۹۴ - رِيحَانَةُ الْأَدَبِ، ج ۴، ص ۲۱۸.

(۴۹) - بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۱۸۵.

(۵۰) - مانده، آیه ۶۷.

(۵۱) - بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۱۹۰.

(۵۲) - بررسی تاریخ عاشورا، ص ۲۴۴ - مِصْبَاحُ الْمُتَهَجِّدِ، ص ۷۳۰.

(۵۳) - جابر بن عبد الله انصاری، ص ۲۰۵.

(۵۴) - بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۱۳۰ - مِصْبَاحُ الْمُتَهَجِّدِ، ص ۷۳۰.

(۵۵) - اعیان الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۴۳ - مِصْبَاحُ الْمُتَهَجِّدِ، ص ۷۳۰.

(۵۶) - سوگنامه

(۵۷) - تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۷۷ و ۲۷۸. (سَفِينَةُ الْبَحَارِ، ج ۶، ص ۲۹۶ - الاعلام زرکلی، ج ۴، ص ۲۳۷ - طبقات الکبری، ج

۶، ص ۳۰۴.)

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی

ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

(الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

(ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

(ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

(د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

(ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

(و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

(ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

(ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

(ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

(ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: امام حسين عليه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از

پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بداند، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



اصفهان

گامی



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹